

Methodology of Compiling Shiite Medical Hadith Books (with Emphasis on the Book "Teb-Al-Aemmah" by Ibn Bastam)

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Aurhors
Morteza Khorrami^{1*}

How to cite this article

Morteza Khorrami, Methodology of Compiling Shiite Medical Hadith Books (with Emphasis on the Book "Teb-Al-Aemmah" by Ibn Bastam), *Journal of Quran and Medicine*, 2023;7(4):10-18.

1. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Teachings, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran (Corresponding Author).

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: m.kh49@yahoo.com

Article History

Received: 2021/04/01

Accepted: 2021/05/30

ABSTRACT

A look at the Shia hadith writings shows that medicine and body health are among the topics that have attracted the attention of some of the students of imams and scholars of Shia hadith studies, and it has become the basis for compiling books on this topic or assigning parts of a hadith book to this category. Unfortunately, only a few of the works that were written under the title of "Kitab al-Tabb" among Shia hadith books have not reached our hands, and this issue has turned the definitive judgment about Islamic medicine into a serious challenge in scientific circles today. It has been and sometimes has been considered as one of the manifestations of the conflict between science and religion - it has made it difficult, but nevertheless, the structural and content review of these books and the documentary research and brokering of medical and health narratives can draw a general perspective of this issue to a large extent. to do The following article aims to enumerate Shia medical hadith works, the methods of compilation of hadiths in such works, and especially the book "Tab al-A'imah" from the works of the 4th century of Hijri, which in some ways has special privileges, will be examined and spread by the people of Nazar. put The results of the research show that the authors of Shia hadith books looked at medical traditions like other subjects and collected authentic and transmitted, authentic and weak hadiths, etc. in this regard. Therefore, such hadiths should also be examined by jurisprudence, just like jurisprudential or exegetical hadiths, away from any unnecessary sensitivity.

Keywords: Hadith, Medical Traditions, Methodology, Imam's Medicine, Ibn Bastam.

بر کتاب طب الائمه ابنابسطام)

مرتضی خرمی*

استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

نگاهی به مکتوبات حدیثی شیعه نشان می‌دهد طب و بهداشت جسم از موضوعاتی بوده که توجه برخی از شاگردان ائمه و عالمان حدیث پژوه شیعی را به خود جلب کرده و زمین‌ساز تدوین کتابهایی با این موضوع یا اختصاص بخشهایی از یک کتاب حدیثی به این مقوله گردیده است. هر چند معالاسف از آثاری که با عنوان «کتاب الطب» در زمره کتب حدیثی شیعه به رشته تحریر درآمده است، جز چند کتاب به دست ما نرسیده و همین مساله، قضاوت قطعی درباره طب اسلامی را - که امروزه به چالشی جدی در محافل علمی تبدیل شده و گاه از جلوه‌های تعارض علم و دین به شمار آمده - دشوار ساخته است، ولی با این وجود بررسی ساختاری و محتوایی این چند کتاب و نقد و تحقیق سندی و دلالتی روایات طیبی و بهداشتی تا حدود زیادی می‌تواند دورنمایی کلی از این مساله را ترسیم نماید. مقاله پیش رو در صدد است ضمن برشمردن فهرستوارهای از آثار حدیثی طیبی شیعه، شیوه‌های تدوین احادیث را در اینگونه آثار و به ویژه کتاب «طب الائمه» از آثار قرن چهارم هجری که به جهاتی از امتیازات خاصی برخوردار است، مورد بررسی و فرادید اهل نظر قرار دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مؤلفان کتب حدیثی شیعه به روایات طیبی همانند سایر موضوعات نگریسته و احادیثی مسند و مرسل، صحیح و ضعیف و ... در این خصوص گرد آورده‌اند. لذا اینگونه روایات نیز میبایست به دور از هرگونه حساسیت زائیدی، همانند احادیث فقهی یا تفسیری مورد بررسی فقهای حدیثی قرار گیرند.

کلیدواژه: حدیث، روایات طیبی، روش‌شناسی، طب الائمه، ابنابسطام.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

*نویسنده مسئول: m.kh49@yahoo.com

مقدمه

احادیث نقل شده از پیامبر اکرم ۹ و جانشینان آنحضرت مجموعه‌ای ارزشمند از تفسیر آیات، تبیین احکام، معارف توحیدی، و موضوعات متنوع و فراوان دیگر را تشکیل می‌دهد. گردآوری این روایات که در مجامع حدیثی کوچک و بزرگ و با شیوه‌های گوناگون سامان یافته‌اند، حاصل همت والا و تلاش ستودنی شاگردان ائمه: و عالمان شیعی سده‌های نخستین هجری است که با لبیک گفتن به ترغیب و تشویق پیشوایان معصوم: و تأسی به روش و منش آنها اهتمامی جدی بر ثبت و تدوین احادیث آنان مصروف داشته‌اند؛ به گونه‌ای که نقل شده صاحبان اصول حدیثی هرگاه روایتی از یکی از امامان معصوم: می‌شنیدند، بلافاصله و بدون تأخیر آن را ثبت می‌کردند تا گذشت ایام آن حدیث یا قسمتی از آن را به تندباد فراموشی نسپارد. (میرداماد، ۹۸) حتی برخی از آنها برای این مقصود همواره نوشت‌افزار با خود داشتند و بی‌استثنا هر سخن یا فتوایی که از امام(ع) می‌شنیدند، ثبت می‌کردند. (ابن طائوس، ۲۲۰)

یکی از موضوعاتی که دستمایه نگارش برخی آثار حدیثی در شیعه و نیز نزد اهل سنت گشته است، مقوله بهداشت، طب و درمانگری است. احادیث طیبی به شیوه‌های گوناگون تدوین شده‌اند: گاه به صورت کتابی مستقل درآمده‌اند و گاه در قالب بابی از ابواب یک کتاب و گاه در لابلای احادیث قریب المضمون جای داده شده‌اند؛ گاه با سند کامل نقل شده‌اند و گاه سند حذف گردیده است و مانند آن. این شیوه‌ها در اکثر مجامع حدیثی فریقین مورد استفاده قرار گرفته است؛ هر چند تفاوت‌هایی نیز بین آنها وجود دارد. در این مقاله، شیوه‌های نقل و تدوین احادیث طیبی تنها در مجامع روایی شیعه مورد بررسی قرار گرفته و بررسی منابع اهل سنت به فرصتی دیگر موکول گردیده است.

۱- مبانی طب حدیثی

در سال‌های اخیر، به موازات رواج روش‌های درمانی مبتنی بر طب سنتی ایرانی و اسلامی - که عمدتاً بر پایه روایات استوار است - بحث‌های نظری پیرامون مبانی قرآنی و روایی این روش‌ها مطرح نظر پژوهشگران حوزه و دانشگاه قرار گرفته است. در این راستا، دو دیدگاه اصلی قابل مطالعه است:

دیدگاه نخست که می‌توان آن را متأثر از دیدگاه اخباری‌گرایان حدیث‌محور دانست، با تکیه بر روایات طیبی و با صحیح‌دانستن ضمنی همه آنها، سعی در ارائه نسخه‌های درمانی برای تمام بیماری‌ها دارد. طرفداران این دیدگاه برای اثبات مدعای خویش، شواهد و دلایلی چون افزایش چشمگیر انواع بیماری‌ها به رغم پیشرفت‌های پزشکی، هزینه سنگین جراحی‌ها و درمان‌های پزشکی و عوارض جانبی داروهای شیمیایی را مطرح می‌کنند. برخی از اینان به قدری به درستی شیوه‌های سنتی و اسلامی در درمان بیماری‌ها ایمان دارند که مخاطبان خود را از هر گونه مراجعه به پزشکان و استفاده از داروها و درمان‌های نوین برحذر داشته و ادعا می‌کنند که توان درمان بیماری‌های صعب‌العلاجی چون سرطان را بدون نیاز به جراحی، شیمی‌درمانی و پرتودرمانی دارا هستند!

در مقابل، دیدگاه دوم با ایراد نقدهای جدی بر روایات طیبی - که ذیلاً به بخشی از آن اشاره خواهیم کرد - شیوه برخی داعیه‌داران

اخلاق و هدایت بشر و درمان ناهنجاری‌های روحی و روانی فرد و جامعه می‌دانستند.

۶. این گونه احادیث بر فرض صحت سند آن، ناظر به قضیه شخصیه است نه قضیه حقیقیه؛ یعنی مربوط به مورد خاص و اقلیم خاص و حتی شخص خاصی بوده که به محضر امام(ع) رسیده و امام پاسخ فرموده و در نتیجه نمی‌تواند برای همگان، حتی در موارد مشابه هم مورد استفاده قرار گیرد.

۷. به نظر می‌رسد یکی از بهترین تحلیل‌ها در زمینه روایات طبی را مرحوم شیخ صدوق در کتاب «الاعتقادات» آورده است. وی احادیث طبی را بر چند قسم می‌داند:

یکم: احادیثی که بر اساس هوای مکه و مدینه گفته شده و طبیعتاً کاربرد آنها در سایر اقلیم‌ها مؤثر نخواهد بود. دوم: آنهایی که امام(ع) بر اساس طبع سوال‌کننده پاسخ داده و قابل تسری به دیگران نیست. سوم: احادیث مجعولی که دشمنان وارد کرده‌اند تا صورت مذهب را نزد عموم، زشت جلوه دهند. چهارم: روایاتی که از اشتباه ناقل نشأت گرفته است. پنجم: روایاتی که بخشی از آن حفظ شده و بخشی از آن فراموش گردیده است... و در ادامه می‌نویسد: اما دارو و درمان قابل استنادی که از امامان: رسیده، آیات و سوره‌های قرآن و دعاهاست؛ آنها بشرطی که دارای سند قابل اعتمادی باشند. (صدوق، ۱۱۵) البته چون شیخ صدوق خود کتابی با عنوان «نوادیر الطب» داشته (نجاشی، ۳۹۲) لذا به نظر می‌رسد ایشان مخالف قطعی روایات طبی نیست؛ بلکه قائل به تفصیل است یعنی دیدگاه سومی که در ادامه خواهد آمد و آن اینک:

احادیث طبی را باید همانند سایر روایات، از لحاظ اتصال یا انقطاع سند، وثاقت یا ضعف راویان و دلالت‌های متنی مورد بررسی قرار داد و به این نکته توجه داشت که نه همه احادیث ضعیف و مرسل، یکسره جعلی‌اند و نه همه روایات مسند و صحیح، قابل عمل و توصیه. این روشی است که درباره اغلب روایات به ویژه روایات فقهی بکار بسته می‌شود یعنی گاه به روایت ضعیفی که اصحاب و مشهور علما بدان فتوی داده‌اند، عمل می‌شود و گاه روایت صحیحی بخاطر أعراض علما از آن، کنار نهاده می‌شود و به بیان دیگر، راه اجتهاد در حدیث، همیشه باز بوده و هست. حتی اطمینان مؤلفان کتب اربعه به صحت صدور روایات کتابشان، سبب نشده که آنان کتاب خود را «صحیح» بنامند و دیگران را از پهن کردن سفره اجتهاد در رجال و درایه نظیر اجتهاد در متن محروم و به پذیرش بی‌چون و چرای آن روایات ملزم بدانند؛ بلکه همواره باب اجتهاد را به روی فقیهان روایت‌شناس باز گذاشته‌اند. از این‌رو هر شایسته توانمندی می‌تواند با به کار گرفتن ابزار صحیح اجتهاد، روایات این کتاب‌ها را در ترازوی نقد و بررسی بگذارد و صحیح آن را از سقیم و غث آن را از سَمین باز شناسد و براساس شناخت خود، روایات را قبول یا نکول نماید. سعی مشکور فقهای عظام در تنظیم کتاب‌های رجال و بررسی مشیخه‌ها و طریق هر یک از مؤلفان کتب اربعه به اصول اربعه‌ا و سخت‌گیری‌هایی که در پذیرش روایات حتی در احادیث کتب اربعه داشتند، همگی در این جهت بوده است. (جوادی آملی، ۲۹۶/۴)

طب اسلامی را غیرعلمی، فاقد مستندات کافی و نتیجتاً مردود می‌داند. و اما نقدها:

۱. کلید پیشگیری از بیماری، رعایت توصیه‌های بهداشتی و کلید درمان بیماری‌های جسمانی، استفاده از داروهای ویژه آنهاست؛ هر چند که نقش دعا و ذکر به همراه مصرف دارو به نیت درخواست شفا از شافی حقیقی و نیز کاهش آلام و آثار روانی بیماری‌ها انکارناپذیر است. اما استفاده از سوره‌ها و آیات قرآنی یا اوراد و اذکار بجای عمل جراحی و داروی تب‌بر، رفع تهوع، سردرد، یبوست، بی‌خوابی و مانند آن جز به وهن اسلام نخواهد انجامید. این بدین خاطر است که خداوند متعال برای هر چیزی سببی آفریده و اقتضای مشیتش بر آن است که جریان امور از طریق همان اسباب تعیین شده انجام پذیرد و هر دری با کلید مخصوص خود گشوده شود؛ مگر اینکه اعجازی در کار بوده باشد که مراحل و موقعیت‌های خاص خود را می‌طلبد. در این باره روایاتی نیز رسیده است: از جمله آنکه از حضرت صادق(ع) روایت شده که فرمودند: «أبی الله أن یجری الاشیاء الا بالاسباب فجعل لكل شیء سبباً و جعل لكل سبب شرحاً و جعل لكل شرح مفتاحاً» (صفار قمی، ۶) همچنین آن حضرت از رسول‌خدا(ص) نقل کرده‌اند که فرمود: «تداووا فما انزل الله داء إلا انزل معه دواء الا السام فإنه لا دواء معه؛ یعنی الموت» (ابن ادریس، ۱۳۸/۳)

۲. از حدود ۱۲ هزار روایت طبی تنها ۹۰۰ روایت سند دارد و بقیه بی‌سند است. از این ۹۰۰ روایت هم کمتر از ۱۰۰ روایت سند معتبر و قابل استفاده دارند و این روایات نیز به‌طور عمده مربوط به خواص خوراکی‌ها، پیشگیری و بهداشت‌اند و در مورد درمان بسیار اندک‌اند و این میزان روایت برای تولید یک علم به نام طب اسلامی بسنده نمی‌کند؛ چون طب باید علل بیماری‌ها و شیوه درمان را پوشش دهد.

۳. در فضای آشفته سده‌های نخست هجری که بازار جعل حدیث به واسطه انگیزه‌های سودجویانه دروغ‌پردازان و جهل عامه مردم رواج بسیاری داشت، امکان برساختن احادیثی درباره خواص خوراکی‌ها دور از ذهن نیست.

۴. سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) هم بر مراجعه به پزشکان زمان خود دلالت دارد؛ چنانکه برای تشخیص اثرات ضربتی که بر فرق مبارک امیرالمؤمنین(ع) وارد شده بود، پزشکان کوفه و از جمله حاذق‌ترین ایشان به نام اثیر بن عمرو را بر بالین آن حضرت حاضر کردند. (ابن ابی الحدید، ۱۱۹/۶)

۵. دین متکفل سلامت جسمی نیست و اصولاً پرداختن به اینگونه مسائل، با شأن والای رسالت و امامت سازگار نیست؛ پیشوایان اسلام در عین آنکه توصیه‌های معتنابهی در زمینه رعایت بهداشت و بحث پیشگیری از بیماری‌ها دارند، برای خود رسالتی در مورد درمان بیماری‌ها قائل نبوده‌اند؛ وگرنه می‌بایست شاهد هجوم مردم از اطراف و اکناف برای گرفتن نسخه‌های شفابخش دارویی از محضر حضرات معصومین: باشیم؛ در حالی که چنین نبوده است. ائمه: بر اساس حدیث شریف نبوی(ص) که فرمود: «بُعْتُ لَأَتَمَّ مَكَارِمَ الاخلاق» (مجلسی، ۲۱۰/۱۶) رسالت اصلی خویش را اتمام مکارم

از سوی دیگر شاید به همین جهت بوده که محدثان شیعی در طول زمان به واسطه عواملی چون فقدان یا ضعف سند، از نقل روایات از جمله روایات طیبی صرف نظر نکرده‌اند و چنانچه به اختصار نشان خواهیم داد، منابع مستقلاً در این موضوع تدوین کرده‌اند؛ هر چند به مرور زمان و در اثر برخی وقایع تاریخی چون غارت‌ها و آتش‌سوزی‌ها، بسیاری از آن‌ها از بین رفته و آثار معدودی برجای مانده است.

این نکته را هم بیفزاییم که با اتخاذ این شیوه که پرهیز از هر گونه افراط و تفریط در زمینه قبول یا ردّ احادیث پزشکی را در پی دارد، می‌توان اینگونه احادیث را مبنای پژوهش‌های جدید علمی در لابراتوارها و مراکز پژوهشی قرار داد؛ چنانکه برخی اندیشمندان درباره آیات علمی قرآن پیشنهاد کرده‌اند که شیوه معهود در تفسیر علمی معکوس گردد (واعظ زاده خراسانی، ۱۵) یعنی بجای آن که یافته‌های تجربی بشر بر آیات قرآن تطبیق داده شده و به درستی یا به گزاف، اشاره قرآن به آن یافته جدید از مصادیق اعجاز قرآن تلقی گردد، آیاتی از قرآن که در آن اشاره گذرایی به خفایای عالم تکوین صورت گرفته، مبنای آزمایش‌ها و پژوهش‌های علمی قرار گیرد.

۲- منابع طب حدیثی

صاحبان معاجم رجالی و کتاب‌شناسی در ترجمه بسیاری از اصحاب ائمه: و عالمان شیعی، از تالیفاتی با موضوع «طب» و عموماً با عنوان «کتاب فی الطب» نام برده‌اند. با ملاحظه برخی قرائن خارجی، معلوم می‌شود که مقصود از این طب، «طب مروی» بوده یعنی توصیه‌های بهداشتی و پزشکی که بعنوان حدیث از معصومان نقل گردیده است و نه دستورات طب یونانی یا هندی و مانند آن. چرا که نویسندگان این رساله‌ها و کتاب‌ها، عموماً راوی و نویسنده کتاب‌های حدیثی متعدد بوده‌اند و کتابی در طب، یکی از آثار آنها به شمار آمده است؛ ضمن آنکه گزارشی از ارتباط این مؤلفان با پزشکان عصر خویش و تحصیل نزد ایشان یا اخذ دستورات طیبی از آنان نرسیده است. لذا می‌توان با اطمینان نویسندگان زیر را از کسانی دانست که به جمع‌آوری روایات طیبی ائمه: همت گماشته‌اند:

- ۱- احمد بن محمد بن الحسین بن الحسن دؤال قمی (م ۳۵۰ ق) که یکصد کتاب نوشته بوده از جمله «کتاب الطب» و ابن داود او را در زمره ممدوحین ذکر کرده است. (ابن داود حلی، ۳۹)
- ۲- احمد بن محمد بن سیار معروف به «سیاری» که شیخ صدوق در کتاب خصال و برقی در «المحاسن» برخی از احادیث طیبی را از (کتاب) او نقل کرده‌اند.
- ۳- احمد بن محمد بن عیسی الاشعری که دو کتاب «طب الکبیر» و «طب الصغیر» داشته است.
- ۴- اسماعیل بن شعیب العریشی که شیخ طوسی او را قلیل الحدیث و در عین حال ثقة دانسته و کتابش در طب را به سه واسطه از او نقل کرده است. (طوسی، ۲۹)
- ۵- حسن بن محبوب

- ۶- حسین بن بسطام و برادرش عبدالله.
 - ۷- عبدالعزیز بن یحیی الجلودی (م ۳۶۷ ق) که نجاشی برای او ۲۰۰ کتاب نام برده است. (نجاشی، ۲۴۴)
 - ۸- عبدالله بن جعفر الحمیری صاحب کتاب «قرب الإسناد»
 - ۹- علی بن الحسن بن فضال.
 - ۱۰- علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمیّ والد شیخ صدوق.
 - ۱۱- محمد بن ابی القاسم البرقی معروف به «ماجیلویه».
 - ۱۲- محمد بن احمد بن محمد بن رجاء البجلی.
 - ۱۳- محمد بن أحمد بن یحیی الأشعری القمیّ صاحب کتاب «نوادیر الحکمه».
 - ۱۴- محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمیّ (شیخ صدوق) که کتابی به نام «نوادیر الطب» داشته است.
 - ۱۵- ابوالنضر محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی صاحب تفسیر عیاشی.
 - ۱۶- موسی بن الحسن الاشعری القمی.^۱
- همچنین برخی از قدمای محدثین، بخشی از کتاب حدیثی خود را به روایات طیبی اختصاص داده‌اند؛ مانند: مرحوم کلینی که در آخر «کتاب الاطعمه» از کافی شریف، ابواب قابل توجهی را به روایاتی با صبغه طیبی اختصاص داده است و یا کتاب «الجعفریات» از محمد بن محمد بن اشعث (از عالمان قرن چهارم هجری) که بخشی از آن با عنوان «کتاب الطب والمأکول»، تعداد ۲۱ حدیث عمدتاً طیبی را در خود جای داده است.
- برخی از متأخرین و معاصرین نیز آثاری در این زمینه قلمی کرده‌اند؛ از جمله:
- ۱- أبو محمد زید بن علی بن الحسن الحسینی شاگرد شیخ طوسی.
 - ۲- شیخ احمد بن صالح البلادی البحرانی (م ۱۱۲۴ ق) که کتابی با عنوان (الطب الاحمدی) داشته است.
 - ۳- سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق) صاحب تفسیر که دو کتاب در طب داشته است: یکی با عنوان «طب الأئمه» و کتاب دیگری که بزرگتر از کتاب اول بوده با عنوان «الطب المروی» که احتمالاً دستوراتی از طب قدیم را در خود جای داده بود.
 - ۴- محمد قاسم بن غلامعلی که کتابی با عنوان «طب الأئمه» نوشته بوده.
 - ۵- محمد شریف بن محمد صادق خاتون آبادی از عالمان قرن ۱۲ هجری که کتابی با عنوان «حافظ الابدان» نوشته بود و در آن از چند کتاب دیگر خویش با عناوین «شرح طب الأئمه»، «شرح طب النبی»^۹ و «شرح طب الرضا» نام برده است.
 - ۶- سید محمود دهرسخی (که او را پدر طب حدیثی معاصر لقب داده‌اند) کتاب «مفاتیح الصحّة فی طب النبی والائمه» را به فارسی نوشت. این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۷۸ قمری به چاپ رسید و تاکنون در ۱۴ نوبت منتشر شده است. کتاب مشتمل بر چهار باب است:

^۱ - مؤلفان یادشده بجز یک نفر یعنی سیاری که تضعیف شده است، همگی ثقة یا ممدوح‌اند. گفتنی است مطالب فوق در مواردی که فاقد ارجاع است، از رجال نجاشی اخذ شده است.

مصنّفان شیعه را داشته است. به این ترتیب، احتمال سنی بودن نویسنده منتفی است؛ مضاف بر اینکه قرائنی در متن کتاب، این امر را تایید می‌کند؛ مانند آنکه روایت مشهور شفابخشی تربت پاک سیدالشهدا^۷ برای همه بیماری‌ها را نقل کرده است.

۲- ابن داود حلی نام عبدالله را در بخش اوّل کتاب رجال خود یعنی «قسم الممدوحین» آورده و در قسم دوم یعنی «قسم الضعفاء و المجروحین» از او یاد نکرده و این‌ها نشان می‌دهد حداقل برای او قدحی نیافته است.

۳- بزرگانی مانند حسن بن فضل طبرسی در مکارم الاخلاق، شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه و الفصول المهمّه، علامه مجلسی در بحارالانوار، حویزی شیرازی در تفسیر نورالثقلین، سیدهاشم بحرانی در تفسیر البرهان و حلیه‌الابرار و محدث نوری در مستدرک الوسائل از این کتاب، بسیار نقل کرده‌اند.

۴- محققان کتاب ارجمند جامع احادیث الشیعه که تحت اشراف مرحوم آیت اله بروجردی تدوین گردید، در خصوص این دو برادر نوشته‌اند:

«آن دو فقیه ثقه، برای گسترش اندیشه‌های بزرگ خاندان عصمت و طهارت؛ به قزوین سفر کردند و از راویان بزرگ آن دیار شدند. به جز آموختن در نزد پدر خود بسطام بن شاپور و عموهای خود زکریا، زیاد و حفص، در نزد استادان بزرگی چون: محمد بن خلف، علی بن ابراهیم واسطی، اسحاق بن ابراهیم، تمیم بن احمد سیرافی و ... شاگردی کردند. از تألیفات آن دو «طب الائمة» است. (بروجردی، ۳۴/۲۵)

۲-۳ صحت انتساب کتاب

در مقابل نصوصی که بر تالیف کتاب «طب الائمة» توسط پسران بسطام نیشابوری دلالت دارد، برخی شواهد درونی و برونی نیز وجود دارد که حاکی از عدم صحت انتساب کتاب به آن دو است. این شواهد از این قرارند:

۱- علامه مجلسی می‌نویسد: کتاب طب الائمة کتابی مشهور بوده است؛ اما به دلیل مجهول بودن مؤلفش، به اعتبار سایر کتب نمی‌رسد و این امر زبانی نمی‌رساند؛ زیرا مقدار کمی از آن اختصاص به احکام فرعی دارد و بیشتر آن درباره ادویه، داروها و درمان‌ها و ادعیه است و ما نیازمند به اسناد قوی در این امور نیستیم» (مجلسی، ۳۵/۱)

۲- این دو برادر هیچ حدیثی را در این کتاب از پدر و عموهای خود که ثقه بوده‌اند، نقل نکرده‌اند.

۳- گفته شد که بسطام بن سابور الزیات از اصحاب امام صادق و کاظم علیهماالسلام بوده است. این در حالی است که سال وفات حسین بن بسطام، سال ۴۰۱ ق بیان شده است. این فاصله زیاد بین دوره زندگی پدر و پسران - درحالی که هیچ یک از آنها جزء معمرین نبوده‌اند- به علاوه مورد قبلی، تردیدها را در این زمینه افزایش می‌دهد. یک احتمال دیگر هم این است که حسین و عبدالله پسران بسطام هستند؛ اما نه آن بسطام بن سابور زیات بلکه بسطام دیگری که از قضا، او هم بسطام بن سابور است ولی پسوند «زیات» ندارد. مؤید این نکته که بیشتر محققان بدان متفطن نشده‌اند، این است که نجاشی در دو شماره ۲۸۰ و ۲۸۳ و طوسی در «الفهرست» در دو شماره ۱۳۲ و ۱۳۳ از دو «بسطام بن سابور» متفاوت نام برده

ترجمه اخبار طب النبی؛ پاره‌ای از اخبار طب الائمة؛ در بعضی جملات طب الرضا، اطعمه و اشربه. ویژگی بارز این کتاب، ترتیب الفبایی مطالب آن است.

در فهرست فوق، از رساله ذهبیه منسوب به حضرت رضا^۷ نامی به میان نیاوردیم چون مطابق مشهور، کتاب به قلم حضرت رضا^۷ و خطاب به مامون نوشته شده و حاوی مجموعه روایات گوناگون طبی از ائمه مختلف نیست و توسط مؤلفی گردآوری نشده و مطالب آن نیز با سند نقل نشده است. لذا اگر انتساب کتاب به امام(ع) ثابت شود، نقد محتوایی آن دیگر وجهی نخواهد داشت؛ ضمن آنکه درباره صحت انتساب کتاب، به اندازه کافی نقد و نظرهای گوناگون مطرح شده است. کتاب‌های دیگر هم عمدتاً به دست نیامده‌اند تا بتوان درباره چگونگی اسناد و متون احادیث آن و روش مؤلفان آنها در تدوین کتاب قضاوت کرد.

۳- طب الائمة

این کتاب که ۳۵۱ حدیث را در خود جای داده است، یکی از معدود کتاب‌های باقیمانده طب حدیثی است که به دست ما رسیده و امکان بررسی روایات و شیوه تدوین آن وجود دارد. از آنجا که این کتاب از آثار قدما بوده و به سبک آثار حدیثی دیگر نوشته شده است، روش‌شناسی آن می‌تواند ما را در داوری صحیح نسبت به روایات طبی - چه در این کتاب و چه در سایر منابع- یاری رساند؛ چرا که به احتمال زیاد، سایر کتاب‌های حدیثی طبی که هم‌عصر این کتاب نگاشته شده‌اند، نیز به همین شیوه تدوین شده‌اند.

۱-۳ مؤلفان

مؤلفان کتاب دو برادرند به نام‌های حسین و عبدالله (مکتبی به ابوعتاب) فرزند بسطام بن سابور زیات نیشابوری. برخی رجالین برای «بسطام»، پسوند «الواسطی» را هم ذکر کرده‌اند که نشان می‌دهد او اصالتاً ایرانی و نیشابوری بوده ولی بعدها به «واسط» در عراق مهاجرت کرده است. این احتمال با وجود کلمه «مولی» در شرح حال او در تراجم که نشان‌دهنده غیر عرب بودن و نیز نام «سابور» که معرب نام فارسی «شاپور» است، تقویت می‌شود. به هرروی، نجاشی او و برادرانش به نام‌های زکریا و زیاد و حفص را از شاگردان امام صادق و امام کاظم علیهماالسلام، ثقه و صاحب کتابی می‌داند که صفوان بن یحیی آن را از او روایت کرده است. با توجه به آنکه صفوان از اصحاب اجماع است و جز از ثقات روایت نمی‌کند، پس وثاقت بسطام قطعی است.

اما درباره حسین و عبدالله، منابع رجالی به وثاقت آن دو تصریح نکرده‌اند و لذا ابن داود عبدالله را «مهمل» دانسته یعنی کسی که راجع به مدح یا ذم او سکوت کرده‌اند. اما با قرائنی می‌توان وثاقت این دو برادر را حدس زد. از جمله:

۱- برخی عالمان مانند میرداماد معتقدند سکوت نجاشی درباره حال راوی، نشانه توثیق است؛ (میرداماد، ۶۸) چون اگر از قدحی درباره راوی اطلاع می‌یافت، حداقل به آن اشاره می‌کرد؛ ضمن آنکه نجاشی از کتاب این دو برادر با تعبیر «کثیر الفوائد و المنافع» یاد کرده (نجاشی، ۳۹) و محتوای آن را به نوعی تایید نموده است. اگر این را کافی در وثاقت ندانیم، قدر متیقن آن است که سکوت نجاشی نشانه امامی مذهب بودن راوی است؛ چون او قصد گردآوری اسامی

اند و طرفشان به آن دو نیز مختلف است. این احتمال گرچه مشکل فاصله سنی پدر و پسران را می‌تواند برطرف کند، ولی مشکل صحت انتساب کتاب را حل نمی‌کند.

۴- در آغاز سند ۲۴ حدیث از احادیث کتاب، نام پسران بسطام دیده می‌شود یعنی گویا شخص دیگری دارد از آنها یا کتابشان مطلب را نقل می‌کند! البته این مطلب در ابتدای برخی تصنیفات حدیثی مانند آثار صدوق (ره) و با عبارتی مانند «قال مصنف هذا الكتاب» نیز دیده می‌شود که گویا به قلم ناسخین بوده ولی تکرار این مساله کمی تردید برانگیز است و این احتمال را به ذهن متبادر می‌کند که نویسنده ناشناس این کتاب، مطالب آن را از اشخاص و منابع مختلف از جمله پسران بسطام شنیده یا گردآوری کرده است.

۳-۳ کیفیت اسناد

از دیرباز رسم عالمان حدیث پژوه بر این بوده که بررسی دقیق اسناد را مختص روایات فقهی می‌دانستند و در آن حوزه، نکته‌سنجی‌های ظریف رجالی را بکار می‌بستند تا در تشخیص حکم واقعی واجبات و محرّمات شرعی به خطا نروند؛ ولی چنانکه از علامه مجلسی نقل کردیم، در مستحبات و نوافل، ادعیه و تعویذات و نیز روایات طبی، ضرورت چندانی برای این گونه سخت‌گیری‌ها احساس نمی‌کردند. اما در عصر کنونی با توجه به اینکه بسیاری از منابع، ترجمه شده و بخاطر گسترش رسانه‌ها در دسترس عموم قرار گرفته و از سوی دیگر، پزشکی نوین امکان راستی‌آزمایی بسیاری از دستورات طب قدیم را فراهم آورده است، لذا نسبت دادن اینگونه اخبار به معصومان: که پیشازان عقل‌گرایی و علم‌محوری بوده‌اند، باید با احتیاط بیشتری صورت گیرد. لذا نقد سندی در روایات طبی امروزه از اهمیت به سزایی برخوردار است.

کتاب طب الائمه از معدود کتاب‌های طبی حدیثی است که اغلب روایاتش با سند نقل شده و لذا امکان بررسی سندی و رجالی روایات آن وجود دارد. درباره اسناد مزبور چند نکته گفتنی است:

۱- تعداد روایات مرسل در کتاب زیاد نیست. به نظر می‌رسد مؤلف به آوردن سند بطور کامل، اهتمام خاصی داشته است. در ۴ مورد، حدیث با سند مرفوع نقل شده است. در برخی موارد، احتمال «حیلوله» در سند وجود دارد که البته اثبات آن دشوار است.

۲- برخی از روایانی که نامشان در زنجیره اسناد روایات کتاب دیده می‌شود، افرادی شناخته شده و در نهایت وثاقت هستند؛ مانند:

محمد بن خلف که در متن کتاب، از دانشمندان قزوین و از عالمان آل‌محمد: دانسته شده است، علی بن عروه الاهوازی که او نیز از سوی مؤلف «راویة لعلوم اهل البیت» لقب گرفته است، محمد بن مسلم، ابوبصیر، محمد بن ابی‌عمیر، حماد بن عیسی که از اصحاب اجماع هستند؛ حریر بن عبدالله السجستانی، حسن بن علی بن زیاد الوشاء، علی بن اسباط، حمران بن اعین، ابان بن تغلب، ابان بن عثمان و ...

۳- برخی دیگر از روایان نیز هستند که در منابع رجالی تضعیف یا مهتم شده‌اند؛ مانند:

سیاری، یونس بن ظبیان، محمد بن جمهور، ابوسمینه، منخل بن جمیل، عمرو بن شمر.

۴- تعداد قابل ملاحظه‌ای از روایان بخصوص در آغاز سند در منابع رجالی معرفی نشده و مجهول‌اند؛ مانند: محمد بن جعفر

البرسی، محمد بن یحیی الارمنی، حریر بن ایوب الجرجانی، محمد بن عبدالله العسقلانی، و ...

۵- عموماً در میانه و انتهای اسناد روایات، اسامی روایان شناخته شده دیده می‌شود و افراد مجهول‌الهویه معمولاً در ابتدای سند واقع شده‌اند. علت این امر ممکن است بخاطر استفاده مؤلف کتاب از حضور مشایخ اهل سنت در شهرها و مناطق مختلف باشد که مشابه آن را در برخی کتب شیعه مانند رجال کشی یا الخصال صدوق هم شاهد هستیم و در مجموع به اعتبار کتاب، لطمه نمی‌زند.

۳-۴ تنوع و تحلیل متون روایات

۳-۴-۱ تنوع روایات کتاب

روایات کتاب طب الائمه که سمبلی از مجموعه روایات طبی محسوب شده و حکم آن به همه روایات پزشکی و بهداشتی قابل تسری است، به چند دسته قابل تقسیم است:

دسته اول: روایاتی است که خواصی را برای برخی میوه‌ها، گیاهان و مواد غذایی مانند: بادنجان، کدو، کاسنی، سیب، گل‌ابی، انار، به، انجیر، بالنگ، کشمش (مویز)، سیاهدانه، اسپند و کندر بیان می‌کند. دسته دوم: روایاتی که دستور ساخت برخی داروهای گیاهی و ترکیبی برای درمان برخی بیماری‌ها و ناراحتی‌ها مانند سل، اسهال خونی، شاش‌بند، لک و پس‌صورت، درد و ضعف معده، یرقان، خشکی دهان، درد مثانه و ... در آن آمده است.

دسته سوم: روایاتی که دعا و قرائت آیه یا آیاتی از قرآن را به شیوه ای خاص برای درمان برخی دردها و ناراحتی‌ها مثل سر درد، درد گوش، دندان درد، درد مفاصل و پاها، بواسیر و ... توصیه می‌کند.

دسته چهارم: روایاتی است که برخی آداب و مستحبات یا مکروهات را بیان می‌کند؛ مانند: ناخن گرفتن، کوتاه کردن مو و شارب، نگهداری حیوانات خانگی (کبوتر) در منزل، مباشرت جنسی و آداب و اوقات آن و ...

دسته پنجم: تعداد کمی از روایات کتاب، به درمان مسائل فرامادی مانند ابطال سحر، چشم‌زخم و مسائل روانی مانند وسوسه و افسردگی پرداخته است.

درباره روایات کتاب، چند نکته دیگر هم جلب توجه می‌کند:

۱- نخستین نکته که از اهمیت زیادی برخوردار است، این است که بسیاری از این روایات بخصوص روایات دسته اول و چهارم را می‌توان در منابع مشهور و معتبر حدیثی همانند محاسن برقی و الکافی با همان سند یا سندی متفاوت یافت و این یکی از قرائنی است که احتمال صحت صدور حدیث را به رغم ضعف احتمالی سند تقویت می‌کند.

۲- روایات گردآوری شده در کتاب از نظم موضوعی خاصی پیروی نمی‌کند؛ هر چند که تعویذات عمدتاً در ابتدا و خواص خوراکی‌ها و میوه‌ها بیشتر در اواخر کتاب به چشم می‌خورند.

۳- در لابلای کتاب، مطالب غیرمرتبط با موضوع، هر چند به ندرت، دیده می‌شود؛ مثلاً ذیل بابی با عنوان «فضل سکر الطبرزد» و قبل از نقل حدیث اصلی، روایتی را با سند خویش از زراره نقل می‌کند که می‌گوید: به امام باقر ۷ عرض کردم: این سخن امیرالمؤمنین ۷ که فرمود: «أَنَا قَسِيمُ النَّارِ ذَا لِي وَ ذَا لَكَ» درست است؟ فرمود: بله! آن حضرت این سخن را در جمع همگان بیان فرمود.

توجیه دیگری که در این رابطه می‌توان طرح کرد، این است که حداقل تأثیر دعا و توسل به درگاه الهی یا تمسک به آیات قرآن یا ذوات مقدس معصومین؛ آرامش روحی و روانی است که نصیب انسان می‌شود؛ چنانکه قرآن کریم به پیامبرش دستور داده که زکات را از مردم بگیر و برای آنان دعا کن؛ زیرا دعای تو مایه طمأنینه و آرامش آنان است. (سوره توبه آیه ۱۰۳) و بدیهی است که این آرامش روحی تأثیر بسزایی در برطرف شدن ناراحتی‌های جسمی دارد؛ همانطور که ثابت گردیده استرس‌ها و فشارهای روانی نقش اصلی را در پدید آمدن بیماری‌های مختلف دارند.

علاوه بر این، آنچه گاهی مورد غفلت قرار می‌گیرد، این است که توصیه به خواندن فلان دعا یا آیه قرآن در روایات طبی، منافاتی با مراجعه به طبیب و استفاده از داروهایی که او تجویز می‌کند، ندارد. به بیان دیگر، در هیچ یک از روایات طبی این کتاب یا کتاب‌های دیگر نیامده که این دعا یا آیه را بخوانید تا از مراجعه به طبیب بی‌نیاز شوید!

بر این اساس، انسان مومن برای آن که نعمت سلامتی را از کف نهد، دستورات بهداشتی که طب نوین مطرح می‌کند و توصیه‌های مندرج در متون روایی که اغلب آنها نیز پیشگیرانه است، هر دو را بکار می‌برد و اگر بیمار شد، به پزشک مراجعه و داروهای شیمیایی را مصرف می‌کند؛ چون به حکم آیه شریفه «و إذا مرضت فیهو یشفین» (سوره شعراء آیه ۸۰) خداوند را شفا دهنده و طبیب واقعی، پزشک را بنده خدا و واسطه شفا و دارو را هر چند در آزمایشگاه‌های داروسازی سنتز شده باشد، مخلوق خداوند و ابزاری برای شفا می‌داند. در عین حال، با نیتی خالص با ادعیه و عودات مأثوره به درگاه الهی متوسل می‌شود تا معالجات و داروها مؤثر واقع گردد و می‌داند که اگر دعایش به ظاهر و فوراً اجابت نشد، حتماً حکمتی داشته و خداوند به نحو مقتضی، خواسته او را محقق خواهد ساخت. ۴- برای بسیاری از مسائل و توصیه‌هایی که در گروه چهارم و پنجم روایات مطرح شده، شواهد علمی و روانشناختی بسیاری وجود دارد. بعنوان نمونه، متخصصان روانشناسی و مشاوره معتقدند نوزادان ذهن بسیار قدرتمندی دارند و همه تصاویر را در ذهنشان ضبط می‌کنند و لذا رابطه زناشویی والدین هرگز نباید در حضور نوزاد یا کودک چه بیدار و چه خواب برقرار شود؛ چون تأثیر روانی بسیار منفی و ماندگاری در ذهن کودک بر جا می‌گذارد؛ بلکه همانطور که قرآن کریم نیز توصیه فرموده، اتاق خواب والدین باید از بقیه جدا باشد.

برخی از امور مانند سحر و چشم‌زخم نیز گرچه هنوز به صورت علمی ثابت نشده اما دلیل قطعی بر رد آنها نیز نداریم و چه بسا در آینده، دانش بشری بتواند به برخی از این رموز و حقایق پشت‌پرده دست یابد.

۵- نکته مهم دیگری که می‌تواند در تحلیل دقیق روایات طبی راهگشا باشد، تشکیل خانواده یا منظومه حدیثی به معنی یافتن احادیث همگون و مرتبط و فهم نسبت‌های آنها با همدیگر است. تشکیل خانواده حدیث این امکان را به وجود می‌آورد تا احادیث که در اصل ارائه‌گر یک تصویر بوده‌اند و به دلایل گوناگون از هم پراکنده شده‌اند، بار دیگر کنار هم قرار گیرند و گویای سیمای واقعی

۴- در بررسی‌های متنی، روایتی که مجعول بودنش قطعی یا نزدیک به قطعی باشد، نیافتیم؛ جز یک روایت که به «حدیث ذباب» شهرت دارد. مطابق این حدیث که در منابع اهل سنت مانند صحیح بخاری (۱۲۰۶/۳) و مسند احمد (۱۸۷/۱۴) نقل شده و بلکه می‌توان گفت از آن منابع نشأت گرفته و به کتاب‌های شیعه راه یافته است، در یک بال مگس زهر و در بال دیگرش، شفاست؛ پس هر وقت مگس در ظرف غذا یا آب افتاد، آن را بطور کامل در آب فرو برید!... نادرستی مضمون این حدیث که برخی محدثان متأخر شیعی مانند مجلسی و حرّ عاملی نیز آن را در کتاب‌شان نقل کرده‌اند، به خاطر مخالفت قطعی با دانش پزشکی، واضح‌تر از آن است که نیاز به اثبات داشته باشد؛ هرچند برخی تلاش کرده‌اند از آن دفاع کنند.

۳-۲ تحلیل فقه‌الحدیثی

مهم‌ترین بخش حدیث، متن آن است که اگر از بوته نقدهای داخلی و خارجی و ارزیابی با ملاک‌های فقه‌الحدیثی مانند عدم مخالفت با عقل و علوم تجربی قطعی، موفق بیرون آید، قابل اعتماد و عمل خواهد بود. در خصوص انواع پنجگانه روایات که در بالا ذکر شد، نکات زیر شایسته توجه است:

۱- پژوهش‌های نوین علم «تغذیه» نشان می‌دهد میوه‌ها و سبزی‌ها با دارا بودن انواع ویتامین‌ها، مواد مغذی و معدنی، فیبر و آنتی‌اکسیدان‌ها در پیشگیری و درمان نارسایی‌ها و بیماری‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. لذا توصیه به مصرف آنها در روایات، کاملاً از پشتوانه علمی برخوردار است.

۲- معمولاً استفاده از ترکیبات دارویی یا مرهم‌ها و ضمادهایی که منشأ گیاهی دارند، هزینه‌های گزاف مادی و عوارض جانبی منفی نداشته و اگر منفعتی نداشته باشد، ضرر هم ندارد! لذا عقل و علوم جدید استفاده از آنها را بعنوان طب مکمل منع نمی‌کنند.

۳- درباره روایات گروه سوم انتقادهایی نسبتاً جدی مطرح شده است؛ حتی برخی آن را از نشانه‌های تعارض علم و دین دانسته و گفته‌اند: چگونه می‌توان پذیرفت یک درد و بیماری جسمی با خواندن یک آیه قرآن یا دعا درمان شود؟ علامه مجلسی در پاسخ این اشکال نوشته است:

«و قد یکون بعض الأدوية التي لا مناسبة لها بالمرض علی سبیل الافتتان و الامتحان، لیمتاز المؤمن المخلص القوی الايمان من المنتحل أو ضعيف الايقان، فاذا استعمله الأول انتفع به لا لخاصيته و طبعه، بل لتوسله بمن صدر عنه و يقينه و خلوص متابعتة، كالانتفاع بتربة الحسين ۷ و بالعوذات و الأدعية» (مجلسی، ۷۶/۵۹)

یعنی: ممکن است بعضی از دواهایی که (در روایات آمده و ظاهراً) مناسبی با بیماری ندارد، بر سبیل آزمایش و امتحان باشد تا فرد مؤمن مخلص از کسی که ایمان و یقینش ضعیف است، متمایز شود. فرد مؤمن وقتی این دواها را استعمال کند، از آن منتفع می‌شود؛ نه بخاطر خاصیت و طبع آن بلکه بخاطر یقین، اخلاص و توسل به آن کسی که آن دستور از او صادر شده (یعنی امام معصوم) از اثرات مطلوب آن دعا یا دستور بهره‌مند می‌شود؛ مانند آنچه درباره تربت سالار شهیدان یا برخی تعویذها و دعاها رسیده است.

این توجیه همانطور که از جمله پایانی علامه بر می‌آید، هم برای دسته دوم و هم برای دسته سوم از روایات طبی قابل ارائه است.

3. Heli, Hassan Ibn Ali Ibn Daud, (1963), *Rijal*, Tehran: University of Tehran, first edition.
4. Ibn Abi Al-Hadid, Izz al-Din Abdul Hamid, (1404 AH), *Sharh Nahj al-Balaghah*, research: Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library, first edition.
5. Ibn Babawiyah, Muhammad Ibn Ali Ibn Al-Hussein, (1414 AH), *Imamate Beliefs*, Qom: Sheikh Mufid Congress, Second Edition.
6. Ibn Hanbal Sheibani, Ahmad Ibn Muhammad, (1421 AH), *Musnad of Imam Ahmad Ibn Hanbal*, research: Shoaib Al-Arnout - Adel Murshid, and others, Beirut: Al-Risalah Foundation, first edition.
7. Ibn Idris, Mohammad Ibn Ahmad, (1410 AH), *Al-Sarair (and Al-Mustatrafat)*, research: Hassan Ibn Ahmad Al-Musawi and Abu Al-Hassan Ibn Masih, Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Seminary Teachers, second edition.
8. Ibn Tawus, Ali Ibn Musa, (1411 AH), *Mahj al-Dawaat and Manhaj al-ibadat*, research and correction: Abu Talib Kermani and Mohammad Hassan Muharr, Qom: Dar al-Zakhair, first edition.
9. Javadi Amoli, Abdullah, (2009), *Adab Fana Moqarreban*. Volume 4, Qom: Esra Publications, fourth edition.
10. Majlisi, Mohammad Baqir, (1403 AH), *Bihar Al-Anwar*, Beirut: Dar Al-Ihya Al-Tarath Al-Arabi, second edition.
11. Mirdamad, Muhammad Baqir bin Muhammad, (1311 AH), *Al-Rawasheh Al-Samawiyah in Sharh Al-Ahadith Al-Imamiyya*, Qom: Dar Al-Khalafah, first edition.
12. Mousavi Darani, Seyyed Ali, (2001), *Texts in Quranic Sciences*. C1, Introduction: Mohammad Vaezzadeh Khorasani, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, first edition.

نظر دین در هر حوزه گردند. چنین دقیق و منطقی احادیث ناظر به یک موضوع در بسیاری از موارد، همچون کنار هم نهادن قطعات یک جورچین منجر به نزدیک شدن به تصویر دقیق‌تری از دین و دست‌یابی به نگرش حقیقی و روح معنایی نهفته در پس‌زمینه احادیث می‌گردد. در مقابل، بسنده نمودن به برخی روایات و غفلت از سایر احادیث، به فهمی ناقص و سطحی و حتی نادرست از دین منجر می‌شود. لذا می‌توان گفت بدون فحص تام و جستجوی کامل در میان روایات، استناد هر نظری به معصوم نه حجت است و نه می‌تواند ملاک علم و عمل قرار گیرد و حتی ردّ و قبول حدیث نیز بدون آن، شتاب‌زده و نادقیق خواهد بود. به عبارت دیگر، احادیث پیامبر و اهل بیت صلوات الله علیه و علیهم همانند قرآن است که در آن محکم و متشابه، عام و خاص، ناسخ و منسوخ، مجمل و مبین (مفصل) و مانند آن وجود دارد و نسبت‌دادن معانی و مقاصد سخن به گوینده آن بدون توجه به امکان وقوع نسخ یا تخصیص و ... جایز نبوده و «قول بغير علم» محسوب می‌شود. این مسأله درباره «روایات طبی» هم صادق است؛ یعنی اگر در روایتی، دعا یا ذکر یا دستورالعملی برای درمان یک بیماری آمده است، این روایت را باید در کنار سایر روایات که اراده الهی را تنها از طریق اسباب و علل مادی، قابل تحقق می‌داند، نهاد و آنگاه به حلّ تعارض ظاهری آنها اقدام نمود و به این نتیجه رسید که اینها با هم تعارض واقعی ندارند؛ بلکه قابل جمع‌اند.

نتیجه‌گیری

از بررسی سند و متن روایات کتاب «طب الائمة» معلوم گردید این تصنیف حدیثی - صرفنظر از برخی ابهامات پیرامون مولف حقیقی و مجهول بودن برخی از مشایخ او - همانند بسیاری از کتاب‌های حدیثی و به شیوه متداول آنان تدوین گردیده و حاوی روایات مسند، مرسل و مرفوع و صحیح یا ضعیف است. از آنجا که سایر منابع حدیثی طبی - که در متن برشمردیم - عمدتاً در دسترس نیستند، قضاوت قطعی درباره آنها نمی‌توان داشت؛ ولی علی‌القاعده آنها نیز به همین شیوه نگاه‌شده بوده‌اند. دسته‌بندی متون روایات و تحلیل آنها نیز نشان داد که احادیث طبی را باید همانند سایر احادیث فقهی و تفسیری، با معیارهای فقه‌الحدیثی سنجید؛ چرا که همانطور که پذیرش خوش‌باورانه احادیث، آفت‌هایی را در بر دارد، ردّ جسورانه حدیث صرفاً بخاطر ضعف سند یا مضمون غریب آن، نیز ناشایست و مردود است و چه بسا با مراجعه به احادیث دیگر، وجه صحیحی از حدیث مورد تردید یافت شده و ابهام را برطرف سازد.

References

1. Boroujerdi, Seyed Hossein, (2007), *Comprehensive Shiite Hadiths*, a collective research of scholars, Tehran: Farhang Sabz Publications, first edition.
2. Bukhari, Muhammad ibn Ismail, (1407 AH), *Al-Jame 'Al-Sahih Al-Mukhtasar*, research: Mustafa Dib Al-Bagha, Beirut: Dar Ibn Kathir, third edition.

13. Najashi, Ahmad Ibn Ali, (1365), Rijal Najashi, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the seminary teachers' association, sixth edition.
14. Saffar Al-Qomi, Mohammad Ibn Al-Hassan, (1404 AH), Basair Al-Darjat, Research: Mohsen Kooche Baghi, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library, Second Edition.
15. Tusi, Mohammad Ibn Al-Hassan, (1420 AH), Index, correction: Abdul Aziz Tabatabai, Qom: Mohaghegh Tabatabai Library, first edition.